

گردشگری

خزر و خلیج فارس؛ دو قطب اصلی گردشگری در ایران



ارزو احمدزاده، راهنمای طبیعت گردی

اگر ایران را به دو نیمه تقسیم کنیم، اولین مقصد گردشگری که در نیمه شمالی زندگی می‌کنند سواحل دریای خزر، و مسافران که در نیمه جنوبی زندگی می‌کنند سواحل خلیج فارس و دریای عمان است. ۶۰۰ کیلومتر ساحل دریای خزر، ۱۴۰۰ کیلومتر ساحل نوار جنوبی و ۵۰ دریاچه داخلی امکان استفاده اقتصادی از گردشگری ساحلی و آبی را به صنعت گردشگری ایران می‌دهد که با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح می‌توان اقتصاد منطقه را نه تنها سرپا نگه داشت، بلکه رو به جلو هل داد.

اگر از هر ایرانی بپرسی: «تعطیلات کجا برویم؟» قطعاً اولین پاسخی که خواهید شنید «شمال» خواهد بود. اما سوال اینجاست که چرا سواحل خزر مقصد اول بیشتر مسافران ایرانی و حتی خارجی‌هاست؟ شاید به ندرت ساحلی در دنیا داشته باشیم که سه موفقه دریا، کوهستان و جنگل را در کنار هم داشته باشد، اما این ترکیب چشم نواز در سواحل خزر هوش از سر هر گردشگری می‌برد.



البته شاید ساحل رامسر و جنگل دوهزار دلیل اصلی سفر به شمال ایران باشد اما کدام گردشگری است که به سراغ غذای محلی شمالی و گرفتن عکس یادگاری با لباس‌های رنگارنگ نرود؟ غذا و لباس محلی که از آن‌ها به عنوان جلوه‌های خاص زندگی بومی نام برده می‌شود دلیل دیگر انتخاب خزر به عنوان قطب اصلی گردشگری ایران است. توریست کسی است که برای تغییر حال و هوا دست به سفر می‌زند و دوست دارد چیزی را تجربه کند که در فضای شهر محل اقامت خود امکان تجربه کردن آن را ندارد. گیلان و مازندران دو قسمتی از گلستان که در ساحل خزر قرار گرفته‌اند با مدیریت صحیح گردشگری می‌توانند سهم بسزایی در رونق اقتصادی منطقه داشته باشند، چرا که طبق آمارها هر گردشگر تفریحی یک شغل ایجاد می‌کند در صورتیکه در توریسم فرهنگی ارقام به شکل دیگریست و هر ۲۰ توریست فرهنگی ۱ شغل ایجاد می‌کند.

ساحل خلیج فارس اما با خزر کاملاً متفاوت است. کوه و جنگل ندارد اما آبی زلال تر و سواحل مرجانی دارد و همچنین دسترسی به آفتاب در بیش از نه ماه از سال در ساحل جنوبی ایران فراهم است. بهترین زمان مسافرت به جنوب ایران پاییز و زمستان است که در دست در همین فصل، سفر به سواحل مدیترانه که بزرگترین قطب ساحلی اروپاست به دلیل سردی هوا امکان پذیر نیست و این امر در جذب توریست خارجی بسیار موثر بوده و چراغ صنعت گردشگری را در جنوب کشور روشن نگه می‌دارد و چراغ اقتصاد را در منطقه به گردش می‌آورد. همان گونه که جلوه‌های زندگی بومی در شمال کشور باعث جذب گردشگر می‌شود، در جنوب کشور هم این مهم به دلیل گویش، رنگ پوست و نوع پوشش متفاوت مردم نمود پیدا کرده و گردشگران زیادی را به سمت خود جذب می‌کند. بیشتر بودن بیشینه دما، متوسط مطلوب اقلیمی که ۲۰ درجه است در بیش از نیمی از سال از نقاط ضعف جنوب کشور حساب می‌شود اما جریان داشتن زندگی شبانه و زنده بودن شهر تاپاسی از شب این نقطه ضعف را پوشش داده و خود به جاذبه‌ای گردشگری تبدیل شده است.

منبع اصلی درآمد کشور ترکیه که در همسایگی ایران است، گردشگر مخصوصاً گردشگر خارجی است. فصل پررفت و آمد مسافرها به این کشور ۹ ماه اول سال است و برای سه ماه زمستان بیشتر گردشگران به کشورهای آسیایی نظیر تایلند و مالزی و مالدیو سفر می‌کنند، در صورتی که با هزینه کمتر همان مسافران را می‌توان در ایران میزبانی کرد و با بازآوری توریست اقتصاد را زنده نگه داشت.



نگاهی به نمایش «هملت» شایان افشردی کلاژهای پر طرفدار



برگه راهنمایی نمایش را که مطالعه می‌کنم تنها یک بند حاوی اطلاعات کمکی برای دیدن نمایش است و نمایش که آغاز می‌شود، این پرسش مطرح می‌شود چرا مؤلف جوان از دادن اطلاعات بیشتر به مخاطب خود صرف نظر کرده است. یک ساعت پیش از شروع نمایش کارگردان با مسئول تالار مولوی گفتگو می‌کرد و از فقدان دانش کافی در میان مراجعه کنندگان گلایه داشت. اینکه چرا مردم هملت را نمی‌خوانند و برای دیدن نمایش، آگاهی زیادی با خود حمل نمی‌کنند، گلایه جاذبی است. بی شک داشتن مخاطب آگاه امکان دیالوگ بهتری میان خالق اثر و مخاطب اکثر پدید می‌آورد؛ اما یک پرسش مهمتر برای مطرح می‌شود. آیا این دو سوی یک اثر به یک میزان از اطلاعات بهره می‌برند؟ آیا خاستگاه اطلاعات یا محتوای آن برای هر دو گروه برابر است؟ اساساً دیدن نمایش برای رسیدن به یک فصل مشترک میان دو جریان متقابل است یا بر جسته کردن فصل مشترکی گذشته؟ با چنین چشم‌اندازی وارد سالن می‌شوم. هنوز نمی‌دانم با چه هملتی روبه‌رو می‌شوم. تنها می‌دانم از سه متن اقتباس شده است. یک متن، هملت شکسپیر به آسانی در دسترس است و دو متن دیگر، یعنی اقتباس‌های هاینر مولر و برنار ماری کولتس، آثاری خاص، ناشناخته برای مخاطب معمولی تئاتر و اندک و معدود در چاپ به حساب می‌آیند. یعنی در حالت عادی به دیدن عنوان هملت، مخاطب می‌گوید همان روایت برادر کشی و انتقام از عمو این در حالی است که مخاطب بداند، هر چند اندک، هملت چیست. اما به محض

متنی کوتاه، هملت ماشین، هملت را نابود کنم. تاریخ آلمان دلمشغولی دیگرم بود و تلاش کردم تا این دلمشغولی را این کل پیچیده را نابود کنم. حالا به بحث ابتدایی باز می‌گردم، آنجا که چطور ما هم می‌دانیم و هم به برای من این پرسش مطرح می‌شود آیا «هملت» افشردی همانند اثر مولر می‌تواند تاریخ ایران را در گیر کند. افشردی پسر جوانی است و توقع یک فکر ۳۰ ساله از او امر عادی است. او در قرن تازه، با نیتوهی از اطلاعات و منابع مطالعاتی، می‌داند دیگران پیش از او چه کرده‌اند یا حتی قصد چه کاری را دارند. پس او با دانش خود پیش رفته و اثری پیچیده افریده است. اما دل‌مشغولی او چیست؟ نکته مهم همین است. همان جمله جذاب مولر که در راهنمایی نمایش یافت نمی‌شود. تلاش برای یافتن مصاحبه‌ای از افشردی ناموفق بود، شاید جایی گفته است هدفش چه بوده؛ اما در دنیای پسادرن افشردی که از قضا میراث مولر است، یافتن پیام ساده

آن یک بند راهنمایی ابتدایی هم بر گنجی مای افزود. پرسش بزرگی شکل می‌گیرد که هملت کجاست. نمایشی که تنها دو شخصیت هملت و اقلیا دارد چگونه می‌تواند روایت غمبار شاهزاده دانمارکی را روایت کند؟ خوب، همان ابتدا می‌توان گفت ما با روایتی از هملت شکسپیر روبه‌رو نیستیم. با حذف نام شکسپیر از آن بند راهنما، خلی در نمایش ایجاد نمی‌شود؛ چون نمایش بیشتر به مولر و کولتس وفادار است. داشتن دو شخصیت آن، برآمده از «هملت ماشین» مولر است و وجه سخنرانی آن برآمده از «روز مرگ در داستان هملت» و از قضا دومی بیشتر از اولی در فرم غالب می‌شود. متن کولتس با آن آزادی بی‌حدوصری می‌تواند هر کسی را اقتاع کند در این جهان پسادرن طبع آزادی می‌کند. اما با دیدن نمایش یاد گفتاری از هاینر مولر افتادم که «به مدت ۳۰ سال هملت برای من یک دلمشغولی واقعی بود. بنابراین تلاش کردم با نوشتن

مواجهه با اثر همان مقدار مناسب برای ادراک و خلق فصل مشترک ناممکن می‌شود. نمایش یک بازی پیچیده است که کمکی به مخاطب برای ورود به اثر نمی‌کند. حتی می‌تواند مخاطب خاص را هم دچار تشتت کند.

کتاب

کتاب «آیین نگارش؛ تعریف خبر، مصاحبه و گزارش» منتشر شد



تازه‌ترین کتاب در حوزه نویسندگی، روزنامه‌نگاری و خبرنگاری با عنوان «آیین نگارش؛ تعریف خبر، مصاحبه و گزارش» شامل مقدمه، پیشگفتار، ۶ فصل و نتیجه‌گیری در ۳۰۰ صفحه توسط نشر آبارون با شمارگان (تیراژ) هزار نسخه و به پهای هر جلد صد هزار تومان اثر حسن سلامی چاپ و منتشر شد.

نگارش صحیح و بیان فصیح و شیوار در کار خبر از مهم ترین عوامل تاثیر گذار بر مخاطبان است. مهم تر از آن ضرورت حفظ زبان و خط فارسی، به عنوان رکن اساسی فرهنگ ایران زمین است که وظیفه‌ای خطیر بر دوش همگان به ویژه خبرنگاران و اصحاب قلم و اندیشه است.

به بیان دیگر، زبان فارسی حامل فرهنگ درخشان و پر عظمت ایران است و اگر ربه سستی و ضعف رود، پیوستگی ما با این فرهنگ پر شکوه سست می‌شود و توانایی این زبان نیز برای ایفای نقش حساسی که بر عهده دارد از میان می‌رود. از این رو باید با دودن غلظت‌ها از زبان و نگارش فارسی، فرهنگ غنی و پرافتخار خود را حفظ کنیم و این خط و زبان را به مثابه گوهری ارزشمند پاس داریم. برخی چنین می‌پندارند که چون زبان فارسی، زبان مادری آنان است به فرا گرفتن رموز آن نیازی ندارند و تصور می‌کنند که این زبان را به خوبی می‌دانند و نباید در راه آموختن مبانی و اصول آن وقت بیشتری صرف کنند. زبان‌های ناشی

از چنین پندار نادرستی، آشکارا در بسیاری از متونی که روزانه با آنها سر و کار داریم یا سخنانی که می‌شنویم، مشاهده می‌شود و آسیب‌هایی که چنین پندارهایی بر پیکر زبان ارزشمند فارسی وارد کرده است بر آگاهان پوشیده نیست.

گفتار و نوشتار رسانه‌های جمعی از دیدمردم به عنوان زبان معیار شمرده می‌شود و از این رو از آن سرمشق می‌گیرند. وجود غلط در گفتار و نوشتار این رسانه‌ها موجب سسرایت واژه‌ها، عبارتها و کتابت غلط، به دیگران خواهد شد.

اگر بهترین موضوع‌های خبری و گزارش‌های مهم روز با عباراتی نادرست و واژه‌هایی غلط تنظیم شود، علاوه بر لطمه‌ای که بر زبان فارسی وارد می‌آورد، آثار مثبت لازم را در مخاطبان

بر جامی گذارند و منظور دلخواه از آنها حاصل نمی‌شود. با توجه به اینکه بخش زیادی از اخبار و گزارش‌های تارنماها (سایت‌ها)، شبکه‌های اجتماعی، کانال‌های تلگرامی و واتساپی، نشریات (روزنامه‌ها و مجله‌ها)، خبرگزاری‌ها و صدا و سیما، دارای غلط‌محتوایی و نیز ایراد آشکار املائی و انشایی است و همچنین با عنایت به تأثیری که شیوه‌نادرست نگارش اخبار در رسانه‌های جمعی بر مردم می‌گذارد، تصمیم گرفته شد کتابی در مورد تعریف خبر و گزارش و مصاحبه و آیین و شیوه‌های درست نگارش با هدف کاهش غلط‌های رایج در متون خبری، نگاشته شود و در اختیار خبرنگاران، مترجمان، کارشناسان، پژوهشگران، نویسندگان، دبیران، سردبیران و مدیران خبرگزاری‌ها و

نیست. نمایش او هم از قضا در بیان قصد و مقصود، برخلاف اثر مولر است. دنیای «هملت ماشین» آشکارا آلمان دوپاره و دو جنگ جهانگیر خانمان سوز را بازتاب می‌دهد و «هملت» افشردی حداقل برای من بازتاب هیچ چیزی جز ذوق و شوق کارگردان در خوانش شخصی از هملت نیست؛ مگر آنکه کلیسای نمایش را مسجده تعبیر کنیم و ترتیب سخنرانی را مجلس. حالا مفهوم موش در نمایش برای من ایرانی می‌شود. ولی جقدر این برداشت شخصی من می‌تواند درست باشد؟ یا چنین نگرشی الصافی به حساب نمی‌آید؟ آیا واقعاً می‌توان میل من به دیدن جنبه‌های اجتماعی و سیاسی در اثر را راستی آزمایی کرد؟

بیا بید کمی هم به کولتس رجوع کنیم. عمر مرد فرانسوی چنان کوتاه بود که زمان برای رمزگشایی از آثارش به وقت حیات مهیا نشد. در ابتدای نمایشنامه هملتمش می‌گوید «ای روح نا آرام! زمان مرده است. بر نخیز». جمله بسیار شبیه گفتگوهای دو دوست یکی در ایران و دیگری ی خارج از کشور است، جایی که دوست ساکن ایران می‌گوید «وضع خوب نیست. به کلهات نزنه بر گردی!» جمله ساده و سرشار از پیام سیاسی است و محتوای عمیقی برای تفسیر اجتماعی دارد. جمله کولتس، با توجه به روح سرکش او پیام روشنی دارد. او در همان آغاز، همانند بسیاری دیگر از نمایشنامه‌نویسان پسادرن، ضربه کاری را در آغاز متن می‌زند. همچون پیتر ی مولر. این راه باید در برشت جستجو کرد. اینکه در بطن اثر خود، هویت سیاسی و اجتماعی خود را حفظ کن. نسل مولر و کولتس سرخورده از فاشیسم شوروی و لیبرالیسم افسارگسیخته غرب، راهی جز اعتراض به سیاست پسادرن نیست. یافتن آدم‌های سر در گم و گم کرده هویت که حتی

طبقه اجتماعی آنها مخدوش شده است و زبانشان ناآراسته و سرسام آور است. همان چیزی که در اثر افشردی نیز مشاهده می‌کنیم؛ اما بعید می‌دانم اثر او چون اسلافش قصد زبان‌زدایی، تاریخ‌گریزی یا مهم‌تر، انهدام هملت را داشته باشد. او شیفته هملت شکسپیر است و در روح عاری از آن عصیان مولر. برای همین همه چیز در نمایش دیدنی است. دکور، نور، لباس و حتی زبان که هنوز به وضعیت آرکائیک دل‌بسته است و آن را ره‌انمی‌کند. آن را مخدوش نمی‌کند. هجونمی‌کند و تلاش می‌کند اعتراض را به اجرا بکشاند تا زبان، همانند بازی با انسبای بازی‌هایی که عموماً ادوات جنگی هستند و تپاب می‌شوند و منهدم. پس این هملت دست‌گرمی است. تماشاگرش با هملت خواندن وارد اثر نمی‌شود و همه در نهایت سرد گرمی بیش نیستیم. زیاد می‌دانیم و هیچ نمی‌دانیم.

۶ سال رییس اداره نظارت و ارزشیابی اخبار ایرنا بوده است. وی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ خورشیدی به عنوان عضو هیات علمی پاره وقت و نیز معاون پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، با این پژوهشگاه همکاری مستقیم و پس از آن تا آبان ۱۳۹۲ همکاری غیر مستقیم داشته است.

وی سال‌های ۷۸ تا ۹۱ در دانشگاه‌های علم و فرهنگ (وابسته به جهاد دانشگاهی)، دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم سابق) جهان دانشگاه تهران تدریس کرده است.

از این پژوهشگر و روزنامه‌نگار، اثر دیگری با عنوان‌های زیر چاپ و منتشر شده است:

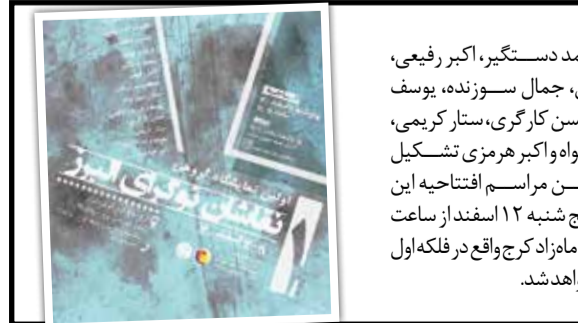
- کتاب «روزنامه‌نگار در بحران»، تحلیل رخدادهای سیاسی و اجتماعی لبنان و فلسطین ۱۳۸۲-۱۳۹۲ خورشیدی، تهران، نشر آبارون، ۱۳۹۴ خورشیدی.

- کتاب «ایران؛ سسرزمین آتش جاودان»؛ سفرنامه به پنج استان کشور، تهران، نشر آبارون، ۱۳۹۴ خورشیدی.

- کتاب «بی‌ثباتی دولت از نگاه امام علی ع»، تهران، نشر آبارون، ۱۳۹۸ خورشیدی.

- کتاب «تقدیر فتار قیب»، تحلیل رخدادهای سیاسی و اجتماعی ایران از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸، تهران، نشر آبارون، ۱۳۹۸ خورشیدی.

این کتاب را می‌توان از طریق ارتباط با ناشر آن به شماره‌ی واتساپی و تلگرامی ۰۹۲۸۴۹۸۸۴۰۷ تهیه کرد.



فرانک خائف، محمد دستگیر، اکبر رفیعی، مصطفی سروریان، جمال سوزنده، یوسف شریف کاظمی، حسن کارگری، ستار کریمی، نعیمه وحدت خواه و اکبر هرمزی تشکیل می‌دهند. همچنین مراسم افتتاحیه این نمایشگاه امروز پنج شنبه ۱۲ اسفند از ساعت ۱۷ تا ۱۹ در گالری ماه‌زاد کرج واقع در فلکه اول گوه‌رشت بر پا خواهد شد.

بر پای نخستین نمایشگاه هنرمندان نوگرای البرز در گالری ماه‌زاد

این قبیل نمایشگاه‌ها در گالری‌های این استان و حضور هنردوستان در این مراکز، به کالبد جوان هنرهای تجسمی کشورمان، جان تازه‌ای خواهد بخشید. هنرمندان شرکت کننده در این رویداد هنری را سعیدامدادیان، علیرضادم بکان، محمدرضا احمدزاده، حسین تمجید، خواهد شد. این نمایشگاه با رویکردهای مدرن و تکنیک‌های مختلف چون رنگ روغن، اکریلیک، آبرنگ و شیوه‌های شخصی طراحی با حضور ۱۴ تن از هنرمندان نقاش، جلوه‌گاه بخشی از ظرفیت‌های به‌روز هنر نقاشی در استان البرز خواهد بود. ناقته پیداست تا دوام

نعیم نوربخش  
نخستین نمایشگاه گروهی از هنرمندان نام آشنا و نوگرای استان البرز به همت گالری ماه‌زاد و همکاری موسسه هنرهای تجسمی هور و رنگ از تاریخ ۱۹ اسفند ماه برگزار

